

درس سیزدهم

منتظر، فضیلت‌ها، وظیفه‌ها

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

فضیلت منتظران

۱. منتظران راستین، برترین مردم همه روزگاران؛
۲. بسان حاضران در خیمه آن حضرت هنگام ظهور؛
۳. ثواب ایشان، مانند پاداش نمازگزار و روزه‌دار؛
۴. گرامی‌ترین امت و رفیق پیامبر ﷺ؛

...

چرا این همه فضیلت و پاداش؟

بایسته‌های عصر انتظار

الف) بایسته‌های عام؛

ب) بایسته‌های خاص.

پیش‌درآمد

در آموزه‌های ارزنده معصومان علیهم‌السلام آن‌چنان جایگاه و منزلتی برای منتظران راستین حضرت مهدی علیه‌السلام برشمرده شده است که به راستی جای شگفتی و تعجب است و این پرسش را پیش رو قرار می‌دهد که چگونه ممکن است چنین حالتی از چنین ارزشی والا برخوردار باشد. البته توجه به جایگاه ارجمند انتظار که پیش از این اشاره شد و نیز وظایف منتظران، تا حدودی می‌تواند پاسخی به این پرسش باشد.

اکنون به برخی فضایل و برتری‌های منتظران با استفاده از روایات معصومان علیهم‌السلام اشاره می‌کنیم.

۱. منتظران راستین، برترین مردم همه روزگاران

شخصیت انسان‌ها از رفتاری متأثر است که در زندگی انجام می‌دهند. این رفتارها بر اساس آموزه‌های دینی، دارای اعتبار و ارزش متفاوتی خواهند بود. از نگاه آیات و روایات معصومان علیهم‌السلام برترین انسان‌ها کسانی هستند که با رفتار خود اسباب رضایت و خوشنودی پروردگار جهانیان را فراهم می‌آورند.

از پاره‌ای روایات استفاده می‌شود به سبب شرایط ویژه‌ای که بر مردمان عصر انتظار حاکم است، اگر آن‌ها منتظر راستین باشند، جایگاه بسیار ارزشمندی خواهند داشت.

امام سجّاد علیه السلام در این باره فرمود:

...إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ وَ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُتَنْظِرِينَ لظُهُورِهِ عليه السلام أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أُعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عَنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ...^۱

مردم زمان غیبت آن امام که به امامت و منتظر ظهور او معتقد هستند، از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خداوند، عقل و فهم و معرفتی به آن‌ها داده است که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است...^۱

۲. بسان حاضران در خیمه آن حضرت هنگام ظهور

از مهم‌ترین آرزوهای تمام نیکان عالم، حضور در دورانی است که در آن اثری از فساد، بیداد و تباهی نباشد. این فضیلت، آن‌گاه به کمال خود می‌رسد که در زمان ظهور در نزدیک‌ترین موضع به رهبر قیام، یعنی در جایگاه فرماندهی که همانا خیمه آن حضرت است، حاضر باشد.

امام صادق علیه السلام در وصف منتظران راستینی که زمان ظهور را درک نمی‌کنند، فرمود:

مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُتَنْظِرًا كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي الْفُسْطَاطِ الَّذِي لِلْقَائِمِ؛^۲

هر کس از شما از دنیا برود، در حالی که بر منتظر این امر است، مانند کسی است که در خیمه‌گاه آن حضرت است.

۳. ثواب ایشان مانند پاداش نمازگزار و روزه‌دار

از برترین عبادت‌ها، نماز و روزه است. از روایات استفاده می‌شود آن‌گاه که شخصی به انتظار روزگار سپری می‌کنند، بسان کسی است که در حال نماز و روزه است.

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

وَاعْلَمُوا أَنَّ الْمُتَنْظِرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ...؛^۳

و آگاه باشید همانا پاداش منتظر این امر، مانند پاداش روزه‌دار شب زنده‌دار است...^۳

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۲.

۲. ر.ک: شیخ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۲۲، ح ۲؛ شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۵۷؛ نعمانی، الغیبة، ص ۲۰۰، ح ۱۵.

۳. شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۲۲، ح ۴.

۴. گرامی‌ترین امت و رفیق پیامبر ﷺ

از توفیق‌های بی‌مانند آن است که کسی در جایگاهی نزدیک برترین انسان‌ها قرار گیرد. در میان انسان‌ها چه کسی شریف‌تر از رسول گرامی اسلام ﷺ که اشرف پیامبران الهی و محبوب‌ترین موجودات نزد خداوند است. حال، کسی که در عصر انتظار، آن گونه که بایسته و شایسته است زندگی کند، گرامی‌ترین از امت پیامبر و در جوار آن بزرگوار خواهد بود. که خود آن حضرت ﷺ فرمود:

...أَوْلَئِكَ رُفَقَائِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ؛^۱

ایشان رفقای من و گرامی‌ترین امت من هستند.

۵. بسان مجاهدان در راه خدا در رکاب حضرت رسول ﷺ

از شریف‌ترین انسان‌ها می‌توان به مجاهدان در راه خداوند اشاره کرد. این فضیلت، آن گاه به کمال می‌رسد که این مجاهدت در جوار انسان کامل و رسول گرامی اسلام ﷺ باشد. از فضیلت‌هایی که برای منتظران شمرده شده، این است که ایشان را مانند کسانی دانسته که به همراه پیامبر اکرم ﷺ در راه خدا به جهاد برخاسته‌اند.^۲

۶. پاداش هر یک از آن‌ها برابر هزار شهید از شهیدان صدر اسلام

و سرانجام آنچه شگفتی را به اوج می‌رساند، آن است که در برتری منتظران راستین و ثابت قدمان بر ولایت اهل بیت ﷺ سخن از پاداشی افزون بر هزار شهید از شهیدان صدر اسلام به میان آمده است.

امام سجاد ﷺ در این باره فرمود:

مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مُؤَلَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأَحَدٍ؛^۳

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۳.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا ﷺ، ج ۱، ص ۶۸، ۳۶؛ شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳؛ ر.ک: شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲.

۳. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۶.

هر کس بر دوستی ما در دوران غیبت قائم ما ثابت و استوار بماند، خداوند پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و احد به او ارزانی می‌دارد.

برخی از این فضایل در حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام نیز به بیانی زیبا یاد شده است.^۱ اما در پاسخ به این پرسش که «چرا این همه فضیلت و پاداش قرار داده شده است؟» چند نکته اساسی را باید مورد توجه قرار داد.

۱. انتظار، حلقه اتصال شیعه با امام معصوم علیه السلام

چنان‌که می‌دانید «ولایت» و «امامت» رکن اساسی مکتب تشیع است و اعتقاد به ضرورت وجود حجت خدا در هر عصر و زمان، از مهم‌ترین نقاط تمایز این مکتب از دیگر مکتب‌ها است. از دیدگاه شیعه، پذیرش ولایت معصومان علیهم السلام و به طور کلی تسلیم برابر امام و حجت عصر، سرآمد همه فضیلت‌ها و شرط اساسی قبولی همه اعمال عبادی است.

با توجه به این نکات درمی‌یابیم که «انتظار» در زمان غیبت و عدم حضور ظاهری امام در جامعه به نوعی اعلام پذیرش ولایت و امامت واپسین امام از سلسله امامان شیعه است و همین انتظارسبب می‌شود ارتباط قلبی و معنوی، حفظ شود و آن‌ها در همه اعصار از فیض وجود امامشان برخوردار باشند.

۲. انتظار، معیار ارزش انسان‌ها

امیدها و آرزوها واقعی انسان‌ها معیار خوبی برای سنجش میزان رشد، کمال و تعالی آن‌ها است؛ تا آن‌جا که برخی می‌گویند: «بگو چه آرزویی داری تا بگویم کیستی». آرزوهای بلند، تعالی و ارزشمند از کمال روح و رشد شخصیت انسان‌ها و بلندای همت آن‌ها حکایت می‌کند. به عکس آرزوهای خرد، حقیر و بی‌ارزش که از بی‌همتایی و رشد نیافتگی افراد نشان دارد.

بنابراین چون انسان منتظر برترین و ارزشمندترین امیدها و آرزوهای ممکن را داراست، به طور طبیعی از بهترین و والاترین ارزش‌ها نیز برخوردار است.

۱. همان، باب ۲۸، ح ۱.

۳. انتظار عامل پویایی و سازندگی فرد و جامعه

چنان که از مطالب بعدی (بایسته‌های انتظار) روشن خواهد شد، انتظار، نقش مهمی در سازندگی، پویایی و اصلاح فرد و جامعه در زمان غیبت دارد. اگر انسان منتظر، به وظایفی که برای او شمرده شده است عمل کند، به الگوی مطلوب انسان دیندار دست یافته و از جایگاه و مرتبه‌ی والایی برخوردار می‌شود.

به عبارت دیگر، انسان منتظر با رعایت همه‌ی شرایط انتظار به همان شأن و منزلتی که مورد انتظار دین اسلام است، رسیده و به بالاترین نقطه کمال می‌رسد.^۱

بایسته‌های عصر انتظار

درباره‌ی وظایف و مسؤولیت‌های منتظران، سخن‌های بسیاری گفته شده است؛ اما در حدّ اختصار می‌توان گفت وظایف انسان‌ها در این دوران به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف. وظایف عام

این وظایف، در سخنان معصومان علیهم‌السلام در شمار تکالیف عصر غیبت یاد شده است؛ اما ویژه‌ی این دوران نیست و لازم است در همه‌ی زمان‌ها انجام شود. شاید ذکر آن‌ها در شمار وظایف دوران غیبت برای تأکید بوده است. برخی از این وظایف، بدین قرار است:

۱. شناخت امام هر زمان

از وظایفی که در هر زمان - به ویژه در عصر غیبت - برای پیروان آموزه‌های اسلامی مورد تأکید و سفارش واقع شده، تحصیل شناخت و معرفت امام آن زمان است.

امام صادق علیه‌السلام خطاب به فضیل فرمود:

اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرْكْ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ؛

امام خود را بشناس که اگر امام خود را شناختی، دیر و زود شدن این امر،

آسیبی به تو نخواهد رساند...^۲

۱. شفیع سروسستانی، ابراهیم، انتظار، باید و نبایدها، ص ۲۴-۲۱ (با تصرف).

۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲.

بی‌گمان شناخت امام از شناخت خداوند متعال جدا نیست؛ بلکه یکی از ابعاد آن است؛ چنان‌که در دعای شریف معرفت، به خداوند متعال عرض می‌کنیم:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيكَ اللَّهُمَّ
عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ
عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي^۱

خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی پیامبرت را نمی‌شناسم. خدایا! رسول خود را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من نشناسانی، حجّت تو را نمی‌شناسم. خدایا! حجّت را به من بشناسان که اگر حجّت خود را به من نشناسانی، از دین خود، گمراه می‌شوم.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره فرمود:

...وَإِنَّمَا الْأَنْمَاءُ قَوْلَامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعَرَفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا
مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ...

پیشوایان، مدیران الهی بر مردمند و رؤسای بندگان اویند. هیچ‌کس جز کسی که آن‌ها را بشناسد و آن‌ها نیز او را بشناسند وارد بهشت نخواهد شد و جز کسی که آن‌ها را انکار کند و آن‌ها نیز او را انکار کنند، داخل دوزخ نگردد...^۲

از روایات معصومان علیهم السلام به روشنی استفاده می‌شود که همه فضیلت‌ها و ارزش‌ها در بندگی خدای متعال، به داشتن معرفت امام علیه السلام و ملتزم شدن به آن، برمی‌گردد؛ به طوری که اگر کسی این اکسیر گرانقدر را در اختیار داشته باشد، از نگاه آنچه مطلوب خداوند متعال است، هیچ کمبودی ندارد.

اما این که چگونه می‌توان به این شناخت رسید؟ به نظر می‌رسد هر حقیقت و واقعیتی - خواه وجود عینی خارجی داشته باشد یا از امور عقلی باشد- از راه شناخت مناسب خود، مانند حس و تجربه و فطرت و عقل و خواب و وحی قابل شناخت

۱. همان، ص ۳۴۲.

۲. نهج البلاغه، ص ۲۱۲، خطبه ۱۵۲.

می‌باشد. بدیهی است این نظر به این معنا نیست که بگوییم همه اشیا و حقایق، از این راه شناخته شده‌اند؛ بلکه مقصود، این است که معرفت هر یک از اشیا و حقایق، از یک یا بیشتر از این راه‌ها امکان دارد؛ برای مثال از راه وحی، هر چیزی که خدا اراده شناساندن آن را به وسیله وحی فرموده باشد، شناخته می‌شود.

امروزه با توجه به انبوه روایات معتبر، راه شناخت امام زمان علیه السلام باز است.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، فرمود:

«...امام، امانتدار الهی میان خلقتش، و حجت او بر بندگانش، و خلیفه او در سرزمین هایش، و دعوت‌کننده به سوی خدا و دفاع‌کننده از حقوق واجب او بر بندگان است. امام، پاک شده از گناه و برکنار گشته از عیب‌ها است که همه علم، به او اختصاص دارد و به حلم شناخته می‌شود. امام، نظام دهنده به دین و باعث سربلندی مسلمانان و خشم منافقان و از میان رفتن کافران است. امام، یگانه روزگار خویش است. هیچ‌کس در مقام، به منزلت او نزدیک نمی‌شود و هیچ عالمی با او برابری نمی‌کند و برای او جایگزین پیدا نمی‌شود و شبیه و مانند ندارد. همه فضیلت‌ها، مخصوص او است، بدون آن‌که آن‌ها را طلب کرده باشد؛ بلکه این، امتیازی است از طرف فضل‌کننده بسیار بخشنده، برای امام...»^۱

از گفتار بالا و ادامه روایت به دست می‌آید:

۱. ارزش امامت، بیشتر و شأن آن، والاتر و جایگاهش بلندتر و درون آن، ژرف‌تر از آن است که اندیشه انسان‌ها - آن‌گونه که شایسته است - به آن راه یابد و بشر بتواند با عقل و درک خویش، امام را برگزیند.

۲. امامت زمام امور دین، نظام مسلمین، صلاح دنیا و عزت مؤمنان است. امامت، بنیاد بالنده و فرع نمایان اسلام است. تمامیت نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، تقسیم عادلانه سرمایه‌های عمومی، اجرای احکام و حدود شرعی، پاسداری از مرزهای مملکت اسلامی، با امام تحقق می‌پذیرد.

۱. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۳. امام، بسان خورشیدی است که با نور خود، جهان را روشن می‌سازد و کسی را به بلندی آن دسترسی نیست. امام، آب گوارایی است که تشنگان هدایت را سیراب می‌سازد. امام و دلالت‌کننده به هدایت و رهاننده از گمراهی است. امام، چونان آتشی بر بلندی است که هم راه را به راهروان می‌نمایاند و هم به کسانی که از او گرمی بخواهند، گرما می‌بخشد و هر کس از او جدا شود، نابود می‌گردد.

۴. امام، امین خداوند میان مردم و حجت پروردگار بر بندگان و جانشین او در جهان است. امام، ما را به سوی خداوند فرا می‌خواند و از حرمت‌های الهی پاسداری می‌کند.

۵. امام، از گناهان، پاکیزه، از عیب‌ها پیراسته و از علم و حلم ویژه برخوردار است.

۶. امام، یگانه عصر خویش است؛ در دانش و فضیلت‌های انسانی نظیر و مانند ندارد. او فضیلت و دانش را از کسی نیاموخته است؛ بلکه خداوند بخشنده، به او ارزانی کرده است.

به راستی اگر فقط همین چند ویژگی را که این جا بیان شد، خوب متوجه شویم، قدم بلندی در راه شناخت امام برداشته‌ایم. آن‌گاه، در پس شناخت است که نوبت اطاعت و فرمان‌برداری فرا می‌رسد.^۱

۲. پایداری در محبت اهل بیت علیهم‌السلام

یکی از وظایف مهم ما در هر عصر و زمان، محبت و دوستی با اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جایگاه دوستان خداوند است. در دوران غیبت واپسین پیشوای معصوم، به سبب پنهان‌زیستی امام، ممکن است عواملی انسان را از این وظیفه مهم دور سازد؛ از این رو در روایات، سفارش شده است که بر محبت به آن انوار مقدس پایدار باشیم.

فراموش نکنیم این محبت، دستور پروردگار متعال است. سال‌ها پیش از آن که آن حضرت، زندگی دنیایی خود را آغاز کند، انسان‌های پاک به او ابراز محبت کرده‌اند. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، آن اشرف انبیا و واپسین فرستاده الهی، آن‌گاه که سخن از واپسین

۱. کامل‌ترین متن امام‌شناسی، زیارت معتبر و ارزشمندی است که از وجود مقدس امام هادی علیه‌السلام به ما رسیده و نام آن، زیارت «جامعه کبیره» است؛ یعنی بزرگ‌ترین و کامل‌ترین زیارتی که با آن، همه معصومان علیهم‌السلام را با هم زیارت می‌کنیم. این زیارت مورد توجه و علاقه همه بزرگان و عالمان دین است.

وصی خود به میان می آورد، در نهایت احترام، از بزرگ ترین وازگان محبت یعنی «بابی و امی؛ پدر و مادرم فدای او» بهره برده است؛ آن جا که می فرماید:

بَابِي وَ أُمِّي سَمِيي وَ شَبِيهِي وَ شَبِيه مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ النَّوْرِ...؛
«پدر و مادرم فدایش باد! که او هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن
عمران است که بر او نورهایی احاطه دارد...»^۱

نیز آن گاه که نگاه تیزبین علی بن ابیطالب علیه السلام اعصار و قرون را در می نوردد، زمان
واپسین امام را نظاره می کند و چنین می فرماید:

فَانظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوءَا، وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فَانصُرُوهُمْ،
فَلْيَفْرَجَنَّ اللَّهُ [الْفِتْنَةَ] بِرَجُلٍ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. يَا بِي ابْنُ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ؛^۲

به اهل بیت پیامبرتان بنگرید؛ اگر آنها ساکت شدند و در خانه نشستند، شما
نیز سکوت کرده به زمین بچسبید و اگر از شما یاری طلبیدند، به یاری آنها
بشتابید که البته خدای متعال، به دست مردی از ما اهل بیت، گشایش
می بخشد. پدرم فدای او باد! که فرزند بهترین کنیزان است.

خلاد بن صفار می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «آیا قائم به دنیا آمده است؟»
حضرت فرمود:

لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛^۳

نه؛ اگر او را درک کنم، روزهای زندگایم را خدمتگذار او خواهم بود.

در روایتی شگفت انگیزتر، ششمین آفتاب سپهر ولایت و امامت فرموده است:

...أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛^۴

به درستی که اگر من آن روز را درک می کردم، جانم را برای صاحب این امر
نگه می داشتم.

۱. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایة الاثر، ص ۱۵۶.

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۱۸ و ج ۴۱، ص ۳۵۳ و ج ۵۱، ص ۱۲۱.

۳. همان، ص ۲۴۵، ح ۲۳.

۴. همان، ص ۲۷۳، ح ۵۰.

با توجه به روایت‌های یاد شده، جای تردیدی نیست که محبت اهل بیت علیهم‌السلام - به ویژه آخرین حجت الهی - در دوران غیبت، کاری بس مهم و ارزشمند است.

۳. پرهیزگاری و رعایت تقوای الهی

پروای الهی، در همه زمان‌ها لازم و واجب است؛ اما در دوران غیبت به دلیل شرایط خاص، اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که در این دوران، عوامل فراوانی دست به هم داده تا انسان‌ها را به بیراهه کشانده گمراه سازند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

همانا برای صاحب‌الامر غیبتی هست؛ پس بنده تقوای الهی پیشه کند و به دین او چنگ زند.^۱

آن حضرت همچنین فرمود:

هر کس شاد می‌شود از آن که از یاران قائم باشد، پس می‌بایست پرهیزکار بوده، نیکویی‌های اخلاقی را عمل کند؛ در حالی که منتظر است؛ پس اگر از دنیا برود و پس از آن، قائم قیام کند، پاداشی مانند آن کس که قائم را درک نماید، خواهد داشت؛ پس کوشش کنید و منتظر باشید. گوارایتان بادای گروه مورد رحمت الهی واقع شده!^۲

۴. پیروی از دستوره‌های امامان علیهم‌السلام

از آن‌جا که تمام امامان علیهم‌السلام نور واحدی هستند، دستورها و فرموده‌های ایشان نیز یک هدف را دنبال می‌کند؛ بنابراین، پیروی از هر کدام، پیروی از همه آنها است. در زمانی که یکی از آن‌ها در دسترس نیست، دستوره‌های دیگران چراغ راه هدایت است. امام صادق علیه‌السلام در پاسخ کسی که گفت: «شنیده‌ایم صاحب‌الامر غایب خواهد شد؛ پس چه کنیم؟» فرمود:

چنگ بزنید به آنچه [از پیشوایان قبل] در دستتان است، تا این که امر بر شما

آشکار شود.^۳

۱. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶؛ شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۵۱.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۰۰.

۳. شیخ طوسی، کتاب‌الغیبة، ص ۱۵۹، ح ۵ و ۴.

یونس بن عبدالرحمان گوید بر موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم و گفتم: «ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم هستید» فرمود:

من قائم به حق هستم؛ ولی قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک سازد و آن را از عدل و داد سرشار سازد همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد، او پنجمین از فرزندان من است. او را غیبتی طولانی است، زیرا بر نفس خود می‌هراسد و گروه‌هایی در آن غیبت، مرتد شده و گروه‌هایی دیگر در آن ثابت‌قدم خواهند بود.

آن حضرت سپس فرمود:

خوشا بر احوال شیعیان ما! که در غیبت قائم ما به رشته ما چنگ زنند و بر دوستی ما و بی‌زاری از دشمنان ما ثابت قدم هستند؛ آن‌ها از ما و ما از آن‌ها میم. آن‌ها ما را به امامت و ما نیز آنان را به شیعه بودن پذیرفته‌ایم، پس خوشا بر احوال آن‌ها! به خدا سوگند! آنان در روز رستاخیز هم‌درجه ما هستند.^۱

۵. دست‌گیری از ضعفا و فقیران

کمک به ضعفا و محرومان در همهٔ زمان‌ها کاری بس ارزشمند است و در دین اسلام به آن سفارش شده است؛ اما به علت غیبت امام، در دوران غیبت ارزش بیشتری دارد. امام باقر علیه السلام فرمود:

... هر آینه باید کمک نماید قوی شما ضعیفان را و باید عطاوت نماید ثروتمندان بر فقیرتان و خیرخواهی نماید فرد برای برادر دینی خود... پس اگر شخص در این حال از دنیا رفت پیش از آن‌که قائم ظهور کند، شهید از دنیا رفته است...^۲.

البته فقر، گاهی فقر اقتصادی و گاهی فقر فرهنگی و معنوی است.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱، باب ۳۴، ح ۵.

۲. طبری آملی، محمد بن ابی القاسم، بشارة المصطفی لشيعة المرتضى، ص ۱۱۳.

ب. وظایف خاص

وظایف خاص، وظایفی است که به نوعی با غیبت حضرت مهدی علیه السلام در ارتباط است.

۱. دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان حضرت مهدی علیه السلام

در روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر محبت و دوستی با اهل بیت علیهم السلام و دشمنی با دشمنان ایشان تأکید شده و این مربوط به همه زمان‌ها است؛ اما در برخی روایات به صورت ویژه به دوستی با دوستان حضرت مهدی علیه السلام و دشمنی با دشمنان حضرت مهدی سفارش شده است.

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَيَتَوَكَّلَى أَوْلِيَاءَهُ
وَيُعَادِي أَعْدَاءَهُ، ذَلِكَ مِنْ رَفَقَائِي وَذَوِي مَوَدَّتِي وَأَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛^۱

خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کرده و در غیبت و پیش از قیامش پیرو او باشد؛ دوستانش را دوست بلدرد و با دشمنانش دشمن باشد؛ چنین کسی در روز قیامت، از رفقا و دوستان من و گرامی‌ترین امت من خواهد بود.

۲. صبر بر سختی‌های دوران غیبت

امروزه کم نیستند افرادی که به دلیل‌هایی، باور به آن امام غایب و یاد آن حضرت را بر نمی‌تابند و در این راه، از هرگونه ایجاد مانع و اذیت و آزار فرو نمی‌گذارند. از آن‌جا که یکی از آموزه‌های مهم دینی صبر بر مشکلات و مصیبت‌ها است، لازم است در این دوران، بیش از هر زمان دیگر برابر این مشکلات و مصیبت‌ها شکیبایی داشته باشیم.

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بَيْدَرٍ وَ أَحَدٌ وَ حَيْنٍ وَ نَزَلَ فِينَا الْقُرْآنُ. فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحْمَلُونَ [تَحْمَلُونَ] لِمَا حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ؛^۲

پس از سپری شدن دوران شما، مردمی بر سر کار خواهند آمد که هر فرد آنان،

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۲.

۲. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۵۶؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۴۹.

پادشاه پنجاه تن از شما را داراست». عرض کردند: «ای رسول خدا! ما در جنگ بدر و احد و حنین در رکاب شما جنگیدیم و درباره ما آیاتی از قرآن نازل شد». فرمود: «اگر شما آنچه را آن‌ها تحمل کردند، متحمل شوید، از صبر و شکیبایی آنان برخوردار نخواهید بود.

امام حسین بن علی علیه السلام فرمود:

أَمَا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛^۱

... اما صبرکننده بر اذیت و تکذیب در غیبت او، بسان مجاهدی است که با شمشیر در رکاب پیامبر اکرم ﷺ با دشمنان مبارزه کند.

۳. دعا برای فرج حضرت مهدی علیه السلام

دعا و نیایش، در فرهنگ اسلامی جایگاه والایی دارد. یکی از مصادیق دعا می‌تواند رفع گرفتاری‌های همه انسان‌ها باشد. در نگاه شیعه، این مهم تحقق نمی‌یابد، مگر آن زمانی که واپسین ذخیره الهی از پس پرده غیبت بیرون آمده جهان را به نور خود روشن سازد، از این رو است که در برخی روایات سفارش شده است برای فرج و گشایش دست به دعا برداریم.

... آری کسی که در انتظار آمدن مولای خود به سر می‌برد، از خداوند تعجیل امر فرج او را درخواست خواهد کرد؛ بویژه آن که بداند با فرج و ظهور او زمینه هدایت، رشد و کمال جامعه بشری به طور کامل فراهم می‌شود. در روایت است که خود آن حضرت، در بخشی از توفیق شریف فرمود:

وَأَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ؛

و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید.^۲

یکی از پژوهشگران معاصر می‌نویسد:

البته هر کس می‌داند که سفارش امام به درخواست و دعا، فقط مقصود ادای

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۴۳؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۶.

۲. همان، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

کلمات و لقلقه زبان نیست؛ گرچه خواندن دعا هم ثواب مخصوصی دارد؛ بلکه منظور، توجه قلبی دائم به معنا و مفهوم این دعا و توجه به این است که در دوره غیبت، امر دین و دین‌داری و اعتقاد صحیح به غیبت و امامت، کار دشواری است که فقط از آدم اهل یقین و با استقامت ساخته است. یگانه کسی که از دریای معرفت پروردگار چشم‌پوشیده باشد و به قلمز شناخت پیامبر و ائمه و امام غایب علیه السلام دستی رسانده و از کج‌راه‌های گمراهی و سرگردانی پرهیز کرده باشد، سختی‌های دوره غیبت را به آسانی تحمل خواهد کرد و ناباوری‌ها، برایش به یقین مبدل خواهد شد.^۱

۴. آماده باش دائمی

از مهم‌ترین وظایف دوران غیبت، آمادگی دائمی و راستین است. در این باره در کتاب‌های روایی روایات فراوانی وجود دارد.

امام باقر علیه السلام ذیل آیه شریف «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا» فرمود:

اصْبِرُوا عَلَىٰ آدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عِدْوَكُمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنْتَظَر؛^۲

بر انجام واجبات شکیبایی کنید و برابر دشمنان، یک دیگر را یاری نمایید و برای یاری پیشوای منتظر، همواره آمادگی خود را حفظ کنید.

بر خلاف تصور برخی که «رابطوا» را بر ایجاد ارتباط و ملاقات با حضرت معنا کرده‌اند، این واژه به معنای آمادگی برای مبارزه است.^۳

از سخنان معصومان علیهم السلام به دست می‌آید، رابطه بر دو گونه است:

گونه اول: آن است که گروهی از مسلمانان در مرزهای کشورهای اسلامی برای دفع دشمنان آماده باشند.

گونه دوم: آن است که مؤمنان در هر حال، منتظر فرج معصومان علیهم السلام باشند، و در تسلیم و اطاعت امر آن‌ها و صبر بر طول زمان ظهور و فرج و در آنچه در حال استتار

۱. سعادت پرور، علی، ظهور نور، ص ۱۰۳.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۹.

۳. ر. ک: لسان العرب، ج ۷، ص ۳۰۳؛ مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۴۸.

آن‌ها و امر آن‌ها است، ثابت قدم باشند، و در این حال، در حد امکان آماده باشند؛ عزم بر یاری ایشان در هنگام ظهور داشته باشند و از نظر ظاهری و جسمی هم در امر آن‌ها ثابت قدم باشند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر یک از شما برای ظهور قائم علیه السلام ابزار جنگی فراهم کنید؛ اگر چه یک تیر باشد. امید است همین که کسی این نیت را داشته باشد، حق تعالی او را از اصحاب و یاوران او قرار دهد.^۱

۵. بزرگداشت نام و یاد آن حضرت

یکی از مسؤولیت‌های شیعه درباره حضرت مهدی علیه السلام در این دوران بزرگداشت نام و یاد آن حضرت است. این بزرگداشت، جلوه‌های فراوانی دارد. از تشکیل نشست‌های دعا و نیایش گرفته تا اقدام‌های فرهنگی و ترویجی و از تشکیل حلقه‌های بحث و گفت‌وگو گرفته، تا پژوهش‌های بنیادین و سودمند، همه و همه می‌تواند در راستای بلندی بخشیدن به این نام بزرگ باشد.

یکی از نمادهای بزرگداشت آن حضرت، احترام هنگام یاد آن حضرت است.^۲ از آن جا که امروزه ایستادن هنگام شنیدن لقب خاص حضرت مهدی علیه السلام در فرهنگ شیعه به معنای احترام به آن حضرت است اگر برنخاستن، بی‌احترامی به آن حضرت باشد، به طور قطع جایز نیست.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

۲. لازم یادآوری است برخی دلیل این کار را روایاتی می‌دانند که در این باره وارد شده است، اما این روایات با وجود آن‌که در برخی کتاب‌های معاصر نقل شده است (صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۶۴۰، ح ۴)، در منابع اولیه و معتبر نقل نشده است. برخی نیز روایاتی است که بررسی‌ها نشان می‌دهد تغییراتی در آن‌ها پدید آمده است. (همان، ح ۳)؛ در حالی که در منابع نخستین، به گونه‌ای متفاوت ذکر شده است. (شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۶؛ خزاع قمی، علی بن محمد، کفایة الاثر، ص ۲۷۶؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۶؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۳۳۱؛ اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۲۸؛ نیلی، علی بن عبد‌الکریم، منتخب الانوار المضيئة، ص ۳۹؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴).

۶. حفظ پیوند با مقام ولایت

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر علیه السلام و تجدید دائمی عهد و پیمان، یکی دیگر از وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد.

هر آن که جانب اهل وفا نگه دارد خداهش در همه حال از بلا نگه دارد
گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

امام باقر علیه السلام درباره ثابت قدمان بر امر ولایت فرموده است:

زمانی بر مردم آید که امامشان غیبت کند. خوشا بر افرادی که در آن زمان، بر امر ما ثابت بمانند! کمترین ثوابی که برای آن‌ها خواهد بود، این است که باری تعالی به آن‌ها ندا کرده و فرماید: ای بندگان وای کنیزان من! به نهان من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید؛ پس به ثواب نیکوی خود، شما را مژده می‌دهم. شما بندگان و کنیزان حقیقی من هستید. از شما می‌پذیرم و از شما در می‌گذرم و برای شما می‌بخشم و به واسطه شما باران بر بندگانم می‌بارم و بلا را از آن‌ها بگردانم. و اگر شما نبودید؛ بر آن‌ها عذاب می‌فرستادم....^۱

شکی نیست امامان معصوم علیهم السلام سخنی از نزد خود نمی‌گویند و آنچه در این سخن بدان اشاره فرموده‌اند بر گرفته از علومی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آن حضرت نیز از وحی الهی دریافت کرده است؛ بنابراین جای هیچ تردیدی باقی نخواهد ماند.

بنابراین یکی از کارهایی که این پیوند را ناگسستی می‌کند تجدید عهد هر روزه با آن یار سفر کرده است. در این باره سفارش شده در پگاه هر روز، زانوی ادب در مقابل ساحت آن امام همام بر زمین نهاده به دستور امام صادق علیه السلام این عهدنامه را نجوا نماید که اگر چهل صبح چنین کند، امید است از یاران آن حضرت باشد؛ دعایی که این گونه آغاز می‌شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ عليه السلام أَيْنَمَا كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلَهَا وَ جَبَلَهَا عَنِّي وَ عَنِ وَالِدَيْيَ وَ عَنِ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ...^۲

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، باب ۳۱، ح ۱۵.

۲. کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح کفعمی، ص ۵۵۰؛ و نیز ر. ک: شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان.



منابع برای پژوهش

۱. سید محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، تهران، بدر، ۱۳۷۹ ش.
۲. محمد شعاعی، آشتی با امام زمان علیه السلام، تهران، محبی، ۱۳۸۱ ش.
۳. ابراهیم شفیعی سروستانی، معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۵ ش.
۴. سید رضی سید نژاد، وظایف شیعیان در زمان غیبت امام زمان علیه السلام، قم، تهذیب، ۱۳۸۵ ش.
۵. سید محمد بنی هاشمی، سلوک منتظران، تهران، منیر، ۱۳۸۲ ش.